

(complexity) مقام والای خود را در لابلای هر اثر هنری و معماری نشان می‌دهد.

این پیچیدگی که روزگاری در مدرنیسم ارزش منفی به حساب می‌آمده، امروز در پرده اول هر برخورد در حرکت است و زمانی هموار می‌شود که در آن پیچیدگی تبدیل به کثرت‌گرایی (pluralism) شود؛ که خود در تحول جوامع بشری نوعی ظرفیت (tolerance) دریافت فضاست و دیگر قواعد خشک و جز نمی‌توانند خود را به آن تحمیل کنند.

امروزه وارد هزاره سوم و سال 2000 شده‌ایم ولی به عنوان یک ایرانی ندای عصر مولوی و حافظ را هم در سینه خود حمل می‌کنیم. آیا این دو دنیا یعنی غرب و شرق در تضاد هستند، و یا واقعاً به علت ارتباطات الکترونیکی در حال سیر در دهکده واحد جهانی هستیم.

حفظ وجود و خود بحث‌های هویتی در برابر نیروهای پر قدرت و عظیم وارداتی و اتفاقات عجیب علمی که هر روز در حال گسترش است دیگر چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ از لحاظ ذهنی شاید خود را متعلق به دنیای وسیع‌تری می‌بینیم ولی به لحاظ بسیاری از مسائل اجتماعی، امکانات و واقعیت‌های فنی و تکنولوژیک هنوز در جهان سوم (به قول استعمارگران غرب) زندگی می‌کنیم و با مشکلات اداری و اقتصادی خود فقط می‌توانیم مکاتب مختلف هنری جهان را در روی پرده سینمای عظیم ببینیم و حسرت بخوریم.

زیرا خیلی زود به تفاوت‌های فرهنگی پی می‌بریم و به یاد می‌آوریم که مرتب پروژه می‌کشیم و تعداد بسیار اندکی از آنها ساخته می‌شود، آن هم با تغییرات و انواع بهینه‌سازی‌های اقتصادی که دیگر نمی‌خواهیم آن اثر را در دسته شایستگی‌های خود به شمار آوریم.

نرمن فوستر در یکی از آخرین گفت و گوهای خود می‌گوید که مصالح اصلی معماری نور است. بحث فضا در نظر او منتخبی از درخشش نور است و معماری متکی به پیشرفت‌های علمی و صنعتی که این بستر را کاملاً برای او احیا می‌کند. آرزوی دیرینه معماران مدرن یعنی آوردن طبیعت و نور به داخل ساختمان در کارهای اخیر فوستر به اوج خود می‌رسد.

سپس سر خود را بر می‌گردانیم و به یاد می‌آوریم که ما نه مخترع معماری تک پیچ و مهره‌ای بودیم نه واقعاً آن را درک کرده‌ایم و نه می‌توانیم آن را در محیط خود بسازیم. البته این عجیب نیست. لویی کان وقتی در دهه 1960 وارد پاکستان و شبه قاره هند می‌شود، خیلی زود در می‌یابد که معماری منطقه

معماری امروز¹

گفتگو / نادر اردلان - داراب دیبا

پیرو جلسات و مباحث برنامه‌ریزی شده در مجله معماری و شهرسازی، در تابستان 1378 گفت و گویی درباره معماری امروز بین نادر اردلان و داراب دیبا صورت گرفت که گزیده‌ای از این بحث در این جا آورده می‌شود.

داراب دیبا: در دنیای پیچیده‌ای زندگی می‌کنیم، ارزش‌های علمی متکی به تحولات صنعتی که پیکره اصلی نهضت معماری مدرن را تشکیل می‌داده همراه با تمام اطمینان‌ها و قاطعیت‌های عقلانی، جای خود را به ارزشهای احساسی و عاطفی داده است و یا حداقل این شک و سوال را ایجاد کرده که آیا استدلال عقلانی می‌تواند کاملاً راهگشا باشد و آیا با نوشیدن این معجون خوشبختی تمام آرزوهایمان به سرانجام خوشی خواهد انجامید؟

نهضت مدرن با اطمینان و قاطعیت پیش می‌رفت و نوعی وحدت رفتاری معماری را نیز به همراه داشت ولی امروز با سپری شدن بخشی از تاریخ، ریشه‌های این اطمینان متزلزل شده و ما با دنیای از روش‌ها، مکاتب و سبک‌ها که هر کدام پیروان خود را دارد روبرو هستیم.

اگر هم این گونه نباشد، شک بزرگ در نگرش به تاریخ را که در سیر تحول فلسفه غرب رخ داده است کاملاً می‌بینیم. اصل عدم قاطعیت در مقابل دژهای عقلانی محکم و استوار گذشته جای خود را باز کرده و برخی از معماران نوپرداز و جست و جو گر راه‌های جدید را برای طراحی، ادراک و برداشت فضای معماری ایجاد کرده‌اند.

لایه‌های مرئی و نامرئی، نوعی انطباق (superposition) را تشکیل داده است که هر کدام از این لایه‌ها مطلبی متفاوت از دیگری دارند و لزوماً حجم آنها به ترتیب و وحدت نمی‌انجامد.

بحث تضاد (contradiction) سال‌های 1960 روبرت ونتوری دیگر کاملاً کمرنگ شده است ولی پیچیدگی

¹ مجله معماری و شهرسازی

گنجایش فن پیشرفته را ندارد و این معماری می‌بایست با وقار ، استوار و به خصوص بیشتر از مصالح بنایی ساخته شود.

بحث‌های معنوی - عرفانی این نوع معماری ، زبان خود را از واقعیت‌های اجرایی محیط به دست می‌آورد. نظریات ویلیام کورتیس محقق تاریخ معماری معاصر جهان درباره دو نوع معماری بسیار متفاوت ، یعنی معماری پیشرفته جهان غرب و معماری این سوی دنیا ، در تعقیب این بحث بسیار جالب و درخور تعمق است.

در ادامه تمام این مباحث و کلیه سبک‌ها و نهضت‌های معماری موجود ، باید این مطلب را با جسارت بیان کنم که معماری امروز دو وجهه بسیار مهم دارد : پیچیدگی و کثرت ؛ و این ویژگی‌ها به علت نوع ارتباط علمی و فرهنگ جهان امروزند ، و گفت و گوی تمدن‌ها هم بخشی از آن است.

اینک مایم با شما درباره این موضوع صحبت کنم. شما تحصیل کرده ممتاز دانشگاه هاروارد هستید ، کتاب با ارزش حس وحدت (sense of unity) را نوشته‌اید و برای معماری کشورهای اسلامی ارزش فراوان قایلند.

نادر اردلان : من فکر می‌کنم در دنیای امروز ، ما با نوعی تغییر عظیم روبرو هستیم و بیشتر مایلیم به یک تغییر کلی جهان شمول اشاره کنم. بسیاری چیزها ، به خصوص دریافت و ادراک از جهان ، عوض شده است. برخورد عقلانی و علمی بر اساس نظریات افرادی مانند نیوتون یا انیشتن ، که تفکر بر اساس ریشه‌های وجود مکان و زمان قرار دارد ، ارزیابی پدیده‌ها را بسیار دشوار و برخی اوقات ناممکن می‌سازد.

هر چند در پاره‌ای اوقات به دلیل تجزیه و تحلیل هسته‌های جوهر (analysis of nucleus) پیوندی را از دست داده‌ایم ، ولی بسیاری از عوامل موضعی را نیز از طریق علم روشن کرده‌ایم ، اگر چه هنوز کلیات آن شناور است.

شما چه موضوعی را ارزیابی کرده‌اید؟ جوهر و اساس زندگی چیست؟ اکنون ساختار کره زمین را در چه می‌بینید؟ و مایه زندگی و وجود آن کدام است؟

مایلم بیشتر درباره زمینه‌ها و بافت امواج (waves pattern) بحث کنم. شالوده امواج موجب دگرگونی ساختار کلیات زمینی است و دیگر عوامل و موجودات ، بخشی زنده و مرتبط با این دنیای بزرگ هستند. بحث گفت و گوی شرق با غرب ، اینترنت و کلیه وسایل ارتباطی پیشرفته ، به وجود آورنده انسان جهان شمولی شده است که به رغم این تداخل ، در جست‌وجوی هویت و وحدت خویش است.

مای سعی می‌کنیم تصویر ازلی (archetype) را پیدا کنیم فرهنگ خویشتن را درست درک کنیم و در این سفر عاشقانه بدون شک به وحدت وجود خواهیم رسید؛

وحدت جهان ، زندگی و کلیه عواملی که ذهن ما را شکل می‌دهد در اینجا لازم می‌دانم که مطالعه نوشته‌های مولوی را یادآور شوم ، چرا که بحث او یحیی جاویدان است.

ما اصرار داریم غرب را در برابر شرق قرار دهیم ولی این تقابل صحیح نیست. سفر و نگاه معنوی ، ما را به پیوندی ازلی می‌رساند سفر درونی و پیوند عاطفی ، بدین گونه میسر و با شناخت خود منتج به شناخت خالق می‌گردد. بحث عقل و عاطفه همیشه در تمدن‌ها حاضر و زنده بوده است و این می‌تواند نقطه قوت و قدرت هنر و معماری امروز باشد.

برای کشف این وجود ، دو سفر الزامی است. اول سفر درونی است که جست‌وجوگر معنویت جهان است. شناخت روح خود تا حدودی به منزله شناخت جهان است. سفر دوم سیری برون‌گرا به همراه دارد که رابطه انسان با فرهنگ طبیعت است و از آن طریق است که از معماری درباره ابتکار در تکنولوژی صحبت کنیم و به راه حل‌های فنی ویژه دست یابیم. این سفر در کشف و ادراک جهان و خود بسیار مهم است چرا که رابطه انسان و طبیعت ، فرهنگ و تکنولوژی و مسائل این گونه را تا حدودی برای ما آشکار می‌سازد.

در مواجهه با طبیعت ، در اغلب کشورهای جهان وارد نوعی بحران محیطی شده‌ایم و میل به سلطه بر طبیعت ما را دچار افسردگی کرده است. فکر می‌کنم باید بیاموزیم که چگونه با طبیعت زندگی کنیم و درست با آن روبرو شویم. امروز در برخورد با طبیعت و عوامل بنیادی محیط زیست ، در بحران به علت ازدیاد جمعیت ، الوده کردن محیط و اصولاً تمایل غربی‌ها در به زیر سلطه در آوردن طبیعت در روند توسعه و تولید ایجاد کردن محیط و اصولاً تمایل غربی‌ها در به زیر سله در آوردن طبیعت در روند توسعه و تولید ایجاد کرده است.

برای درک این مدعا به بیانیه‌های نهضت معماری مدرن قرن بیستم نظری بیندازید. در شرق همیشه طبیعت محترم بوده و تابعیت انسان از آن ، در قلمرو ارزش‌های فرهنگی نهفته است. ما همیشه سعی کرده‌ایم با طبیعت زندگی کنیم و هیچ‌گاه نظر به حاکمیت بر آن نداشته‌ایم.

در بحث طبیعت نگاه عارفانه به زندگی و نور ازلی وجود دارد. بد نیست در اینجا به افرادی مانند نصر ، کوربن و سهروردی اشاره کنم. حصول به عقل از طریق نور رستگاری میسر است و در پی این باب اشراقی است که می‌توان به وحدت وجود رسید.

نگاه وحدانی به زیباشناسی فرهنگ ایران و یا زیباشناسی خاص سرزمین در چارچوب دنیای تکه‌تکه شده (puzzeling world)، کثرت و تفاوت‌ها و پیچیدگی‌ها را تبدیل به وحدتی می‌کند که نهایت آن درک کمال و خالق است؛ وحدت نگاه انسان به خالق و خدای خود، می‌گوییم لاله‌الاله؛ بحث بودن و نبودن مطرح است و فنا و بقا که پیکره همان بحث است. آیا زندگی را می‌توان اندازه‌گیری کرد؟ لویی کان از اندازه‌گیری ارزیابی از طریق چیزی که اندازه‌گیری شدنی نیست سخن می‌گوید. لویی کان حقیقت و خدا را در چیزی که اندازه‌گیری شدنی است می‌جوید.

پیچیدگی‌ها و شبکه‌های ادراکی، هر روز بیشتر می‌شود؛ و چنانچه به وحدتی حل شده دست پیدا نکنیم ممکن است به راحتی در جهان دانش و اطلاعات غرق شویم و با اینکه به مسائل فرعی و جزئیات، با تو هم دستیابی به اصل مسائل بپردازیم.

به فرش اصیل ایرانی نگاه کنید: تعدادی بی‌شماری نیروها در جهات مختلف در کشد ولی در نهایت عاملی مرکزی به سهولت آنها را آشتی می‌دهد و آرامش را به ارمغان می‌آورد ما اگر به جوهر وجودی زندگی پی نبریم حتماً در جزئیات گم خواهیم شد.

داراب دیبا: عقل و دانش و تکنولوژی مزه عجیبی دارد. در برابر فضاهای تحصیلی (Positivist) همیشه تصویر فضای تمثیلی نیز حضور دارد و همیشه ماده و مصالح وسایلی برای حقیقتی والاتر بوده‌اند و حتی هرگاه بحث سقف و سرپناه هم مطرح گردیده، آن سقف هم وسیله‌ای بوده برای پرواز و عروج، و به وجودی خود معنایی پرکفایت نداشته است؛ مانند نظریاتی که رایج مطرح می‌سازد.

ولی وحدت وجود در کجاست و چگونه باید بدان نزدیک شد؟ آیا اصولاً معماری هم مانند فلسفه و ادبیات، کشش تبدیل جست و ماده به معنویات را دارد؟ آیا انبوه جنس و مصالح اجازه این حصول را می‌دهد و یا فقط آرزوی معماران در تعالی بخشیدن به مقام خویشتن است؟

بحث‌های نظری آسان‌تر از محتوای جزای کالبدی آن است و به رغم نظریه پردازی‌های معماران، فاصله خاصی بین اندیشه (نظر) و کالبد وجود دارد، که این مطلب حتی در آثار افرادی مانند آندو نیز که بدون شک معمار صادق و با حقیقتی است، به چشم می‌خورد.

ولی دنیا در حال حرکت است و سرمایه‌داری‌های خشن دنیای تولید و اقتصاد کماکان بی‌توجه و خونسرد نسبت به فشارهای جمعیتی، انرژی، فقر و بی‌عدالتی، مسائل سیاسی

خاص خود را دنبال می‌کنند. گویی در دنیایی زندگی می‌کنیم که فلاسفه و نویسندگان درباره حقیقت و رسالت زندگی و جهان صحبت می‌کنند و در کنار آنان سیاستمداران با ظاهری کاملاً عوام فریب (demagogic) فقط به دنبال کردن اهداف معمولی خود مشغولند.

نادر اردلان: موضوع جمعیت و انرژی کاملاً جدی است و امروزه نهضت‌هایی مانند زیست اقلیم (bioclimatic) معماری سبز (green architecture)، معماری منطبق با محیط (appropriate architecture)، انرژی‌های منفصل و خورشید و موضوع باز زنده‌سازی عناصر (recycle) بدون شک بسیار اهمیت دارند.

امروزه درباره تکنولوژی خشن بسیار صحبت می‌شود ولی راستش را بخواهید، تکنولوژی ملایم یا پیشرفته (low/high tech) اگر در مسیر درست حرکت کننده هر دو می‌توانند ثمربخش باشند، به شرط اینکه با طبیعت آمیزش درستی داشته باشند.

درباره نرم فوستر صحبت می‌کردیم، آواز دو عامل استفاده می‌کند: تکنولوژی و نور. از طریق تکنولوژی تجلی نور را در کار او می‌بینیم و این برخوردی عالی با استفاده از امکانات فنی روز است. رشد تکنولوژی و انقلاب در آن حیاتی است.

رشد تمدن با تغییر و نوآوری همراه است و وسیله احیای این تحول تکنولوژی در تمدن بشری، همیشه زنده بوده است.

به مسجد جمعه اصفهان نگاه کنید که با مصالح بنایی و آجر ساخته شده ولی ابتکار در ساخت و ساز موجب سبکی در احساس و ادراک فضا گشته است. هنر استفاده درست از مصالح، از اینکه شما تصمیم بگیرید با آجر بسازید یا با فلز مهم‌تر است. اگر به تاریخ معماری رجوع کنید، در می‌یابید که همیشه نوآوری، با انقلابی در زمینه تکنولوژی همراه بوده است.

بر بحث استفاده از مصالح سنتی نباید اصرار ورزید، بلکه کمال در استفاده از امکانات روز توأم با احترام به فرهنگی، طبیعت و هنر، ترکیب و ساخت مد نظر است که البته اصلاً کار آسانی نیست.

نباید به علت احترام به فرهنگ، محیط، تاریخ و سنت خودمان را محدود به استفاده صرف از آجر کنیم. این، نوعی برداشت غلط از دنیای امروز است. هر یک از مصالح، چنانچه خوب عمل آیند، می‌توانند غنا و هویت والای خود را داشته باشند ولی با پشتوانه اندیشه و ذوق و هنر شما وقتی زیر گنبد مسجد جمعه اصفهان قرار می‌گیرد، بی‌اختیار این احساس را دارید که این گنبد چقدر سبک به نظر می‌آید؛ سبکی آسمان و

نور مفاهیم مترادف مفهوم بزرگ‌تری است که در آن معماری نقش بازی می‌کند.

به مفهوم خشت و آینه توجه کنید. خشت به عنوان پایگاه سنگین زمینی و آینه به عنوان برگردان حقیقی والاتر. آینه، شیشه، شفافیت و نور مفاهیمی هستند که در معماری ایران و جهان استعاره‌های جاویدان، ساخت هوشمندانه فضا به شمار می‌آیند.

مایلم توجه شما را به موضوع دیگری جلب کنم: به معماری‌های جاویدان؛ همیشه تلاش و مبارزه‌ای برای رسیدن از تاریکی و سنگینی به سبکی و نور وجود داشته است و اینکه از ماده‌ای بی‌جان چیزی را بسازیم که از آن ندای آسمانی برآید.

داراب دیبا: تکیه‌گاه فلزی نرم فوستر نیز تکنولوژی است که نور در اثر آن ماده را به اروپا تبدیل می‌کند؛ بی‌نهایت که آسمان را در پشت دارد. تصویر حقیقی و تصویر خیالی (virtuat)، برگردان دنیا در آسمان. انطباق این دو تصویر همیشه در معماری ایران وجود داشته است و چقدر دستیابی به آن مشکل است. ولی وقتی درست مطالعه می‌کنید، می‌بینید کلیه آثار عالی معماری جهان از این اصل پیروی کرده‌اند: دادن به انسان از طریق ماده و ساخت و ساز یک فضای برتر که در آن تخیل دنیای غیر ملموس و آرمان‌های نهفته تجلی می‌کرده است. از حسن فتحی سوال کردند که چگونه می‌شود نور را در سنگ وارد ساخت. او در جواب می‌گوید: اگر نور را در وجود خود وارد کردی، در سنگ هم می‌توانی وارد کنی چرا که اگر نور در سنگ وارد شد بدان معنی است که دیگر نور در وجود توست.

نادر اردلان: مفهوم انعکاس و حقیقت هم بسیار مهم است؛ نظریه پردازی مربوط به امواج (waves theory): هندسه است که انعکاس را می‌سازد؛ هندسه - انسان - جهان. در کتاب حس وحدت درباره بهشت، مربع، دایره، وحدت و مرکز و مصداق آن در معماری چهارتاق خیلی بحث کرده‌ام.

آرآتا ایزوزاکی می‌گوید: من هنوز در جست‌وجوی هندسه به مثابه یک ماندالا هستم. حس کثرت و تکرار در وحدت و گردش عوامل در حول و حوش مرکزی جاویدان، و این زیباترین حس تکرار در وحدت است (sense of multiplicity in unity)

در زمینه دیگر من سنت را در تداوم ولی در تغییر و پیشرفت می‌بینم. نمادگروی گه‌ری با آثار لویی کان پایه‌گذاری می‌شود و اگر امروز نرم فوستر می‌تواند این‌گونه کار کند به علت تلاش‌های میس واندر روهه است. لویی سالیوان (Louis

Sullivan) آسمان خراشی هنری را ابداع می‌کند ولی در زمانی دیگر شاگرد وی راییت به کمالی متفاوت در اثر خود دست می‌یابد.

کوربوزیه معماری مدولار را تدوین می‌کند، ولی قبل از آن رنسانس، اومانیسم، نی بوناچی، لئوناردو داوینچی و دیگران بوده‌اند.

سنت بدون پیشرفت و تغییر معنی ندارد. به یاد می‌آورم که در کنگره بین‌المللی شیراز در سال 1354، با کمینستر فولر (Buckminster Fuller) می‌گفت: ما در ایران در چهار راه جهان قرار گرفته‌ایم؛ پلی بین جایی به جای دیگر.

مرکز غرب کجاست و مرکز شرق کجا؟ به جای مفهوم پیچیدگی و اغتشاش (chaos) که بسیاری گرفتاران هستند، در جست و جوی پیچیدگی و وحدت باشیم.

از خودتان سوال کرده‌اید که مثلاً چرا مادونا خواننده جنجال‌افزین اکنون مایل است به اشعار و موسیقی عارفانه بپردازد تا شاید از این طریق به بعدی جدید برسد که قبلاً برای خیلی‌ها پنهان بوده است؟ من در بسیاری از دانشگاه‌های جهان تدریس کرده‌ام.

همیشه مبحث اسطوره و تمثیل برای معمارهای جوان جذاب بوده است. می‌توان گفت که نسلی از طریق معماری به رستگاری نورانی درونی می‌رسند؛ شاید به شناختی دیگر که فراتر از مواد و مصالح معماری و ساختمان است. ولی بحث وحدت در معماری مرتبط به ترکیبات یا اشکال ساده یا پیچیده نیست ما در دریافت وحدت در معماری باید بسیار هوشیار و آگاه باشیم و تصاویر کلیشه‌ای را به جای آن اشتباه نگیریم.

داراب دیبا: راستی فکر می‌کنید کدام معمار واقعا توانسته است.

که این مفاهیم آرمانی را پیاده کند؟
نادر اردلان: من فکر می‌کنم لویی کان. او در تفکر و طراحی خود، همیشه یک بعد الهی و ماورالطبیعه قائل بود و کلیه هندسه‌های او وسایل و بستر دسترسی به آرمانی والاتر است.

داراب دیبا: تادائو آندو چه طور؟
نادر اردلان: او بیشتر دنبال سبکی بر اساس فرهنگ و اندیشه است. مثلاً حسن فتحی در زمینه هنر ساخت (arts and craft) مقام والایی دارد. او معماری مسلمان بود که عقاید فلسفی و فرهنگی در وجودش حضور داشت، ولی در مورد تولید معماری بیشتر یک معمار حقیقی بود که توانست با مردم برای مردم بسازد.

داراب دیبا : حسن فتحی انسان جالبی بود. قبل از مرگ وی با او در سال 1369 در قاهره ملاقاتی داشتیم. او در اوج مدرنیسم و در روند نهضت معماری مدرن و بین‌المللی، پرچم دار معماری متفاوت، منطبق با آداب و رسوم در کشورهای اسلامی بود.

در زمان حضورش واقعا به ما کمک کرد ولی امروزه با تاسف می‌بینیم که در مصر راه او دنبال نشده و کار او فقط به عنوان اثری به یاد ماندنی در ذهن معماران و دانشجویان باقی مانده است. در آن جا بساز و بفروش‌ها مشغول تولید شتاب زده معماری‌های بی‌هویت و بی‌ارزش خود در محیط شهرها هستند. تا حدی مانند ایران که بحث روشنفکران با تولیدات بساز و بفروش‌ها و سودگران ساختمانی فاصله زیادی دارد ولی این دسته آخر به علت گستاخی، جسارت اقتصادی و نداشتن اخلاق حرفه‌ای، هم چنان به کار می‌پردازند.

نادر اردلان : درباره لوکوربوزیه و مدولار چه فکر می‌کنید؟
داراب دیبا : لوکوربوزیه معمار مبتکری بود و بعضی آثار او فوق‌العاده است ولی شخصا جایگاه ویژه‌ای برای لویی کان قائلم. چند کتاب لوکوربوزیه را با دقت خوانده‌ام و در زمان دانشجویی دو بار هم در مدرسه معماری برای ما سخنرانی داشت.

او حس معماری را در ما در شأنی بالاتر از ساختمان‌سازی بیدار می‌کرد ولی به ندرت معرفت وی بعد شاعرانه و آسمانی داشت و بیشتر وابسته به اصول هنرهای تجسمی و پلاستیک کار مانند حجم، نور و نظایر اینها بود. می‌گویند بزرگ‌ترین معمار قرن 20 بوده است، بدون شک او دروس جاویدانی به ما آموخت ولی لویی کان آرامش و متانت و معنویت دیگری داشت اولین باری که او را در کنگره بین‌المللی اصفهان در سال 1349 دیدم اثر عجیبی در من گذاشت.

شاید با بحث سازگاری او با طبیعت ما بود که آن قدر در آن زمان ما را مرید خود ساخت. در سال 1369 نیز در بازدید و بررسی مجلس داکا مجدداً متوجه کیفیت عجیبی در کار او شدم که برای من بسیار راهگشا بوده است.

در مورد مدولار، او تناسب‌اندام‌گونه را به شکل نظریه‌پردازی شکل دهی عقلانی تشکیل فضا پیشنهاد می‌کند.

مخلوطی از مباحث مردم‌شناختی و استدلال عقلاین را در این جا می‌بینیم ولی مدولار نتوانست برای ما نوعی مشی (ethics) روند رشد معماری را مهیا کند و هر چند در برابر هرج و مرج‌های شکلی قشرهای مرفه اشرافی، واکنش به جایی بود ولی زیبا شناسی ناشی از مدولار، واقعیت روحی را به عمد کنار

گذشت که این بخشی از مکتب عملکرد گروهی است که در دوران پست مدرن بدان ایراد زیادی وارد شد.

نادر اردلان : زبان جدید معماری برای این قرن مطرح است ولی بحث نمونه ازلی کاملاً زنده خواهد ماند؛ به خصوص در معماری آینده ایران. ما در چهار راه غرب و شوق قرار گرفته‌ایم و دو جهان در طول تاریخ در دل ما جای گرفته است.

داراب دیبا : آیا این گفت و گو برای ما در معماری غنا (richness) به ارمغان خواهد آورد یا گم‌گشتگی (desintegration)؟ در «گرگ صحرا»، هرمان هسته از خود سوال می‌کند که کیست یا از هویت و اصالت او چه باقی مانده است.

گفت و گوی شرق و غرب بسیار مفید و لازم است ولی تعداد نادری افراد از این سفر، پیروز بیرون آمده‌اند. همه در تئوری آن را قبول دارند ولی عملاً در کار هنری خود، ناخودآگاه زیر سلطه سبکی قرار می‌گیرند که چندان خوب هم آن را نمی‌شناسند ولی به علت متجدد و به روز بودن چنان با آب و تاب از آن دفاع می‌کند که گویی جای دریدا، لیبسکیندیا کپینس نشسته‌اند.

در سفری که به هندوستان داشتم، ضمن صحبت با دانشجویان مدارس معماری و با دوشی، روال و یا کوره‌آ، به روشنی دیدم که آنها چه قدر از فرهنگ و تمدن خود محافظت می‌کنند و به عنوان یک راه حل معرفت و اندیشه جهانی بدان نگاه و اطمینان می‌کنند.

بلکه فقر در هندوستان زیاد است ولی انسانیت و معرفتی که در آن جا دیدم قابل قیاس با هیچ جای دیگر جهان نبوده است. راج روال خود را در معمار مدرنیست می‌داند ولی تار و پود او آمیخته با فرهنگ اصیل هند است و در مورد دوشی و کوره‌آ نیز دقیقاً همین طور است.

در شروع سال 2000 بدون شک باید با آغوش باز نظریات هنری و معماری جهان بزرگ‌تری را در ذهن خود پیروانیم، چون سکون و در جا زدن در گذشته، مرگ تدریجی است. البته واقعاً پیروز بیرون آمدن از این سفر و اتصال اطلاعات و مکاتب و دانش‌ها، اصلاً کار آسانی نیست.

نادر اردلان : همین طور است. ما واقعا در دنیایی زندگی می‌کنیم که دگرگونی‌های اساسی در حال رخ دادن است و باید از آنها بیشترین بهره را بگیریم. به همین علت طراحی معماری در این چارچوب بسیار دشوار است و نظریه پردازی‌ها باید همراه با تأمل و تساهل باشد. روح و قلب ما باید همیشه بر روی نوآوری و تحولات جهان باز باشد.

داراب دیبا : کاملاً ، زبان معماری حاصل از این تساهل یا همراه با تمثیل و استعاره (metaphore) است و در جست و جوی حل مسائل ضروری و اولیه مانند نیازهای جمعیتی یا فقر ، یکی درخشندگی شکلی را به همراه دارد و دیگری انسانیتهی مردمی را. آرزوی ما پیوند این دو عامل است ولی در دنیایی که پشتوانه معماری پول و سرمایه است ، باید از خود سوال کنیم که به عنوان معمار تا چه حد می توانیم موفق شویم.

نادر اردلان : در خاتمه مایلیم بگویم که خیلی خوشحال هستم که امروزه در ایران ، این تلاش فرهنگی را از طریق مجلات تخصصی - و به ویژه در این شماره مجله معماری و شهرسازی - می توانیم ببینیم.

ما نیاز بسیاری به بحث و تبادل نظر داریم و چه خوب است که معماران جوان در این مباحث شرکت و حضور فعال دارند. این گفت و گو را باید زنده نگه داشت و فعالیت های فرهنگی ، نقد نویسی و دیگر امور ساخت و ساز را حتماً باید توسعه داد ، که البته این توسعه راه حل های مناسب زمانه خود را نیز باید به همراه داشته باشد.